

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
۱۳۸۸/۷/۹

خُم نیرنگ

جراتِ آخ

تقلب ره سپرده تا دل کاخ
گرفته از جماعت جراتِ آخ
ز دستِ این همه سردرگمیا
بر آورده سرفریادِ من شاخ

روزی نامه ها

بُردی سر، سراسر خامه ها را
کشیدی بر، سر خودکامه ها را
تملق را چنان افسانه گرم است
که رونق داده روزی نامه ها را

خیر

به این صحنه چسانت صبر سیر است
که ناموس وطن در چنگ غیر است
سراپا شهر ما را شرگرفته
تماشا می کنی یعنی که خیر است

!!!

گرفتی گردن کوه و کمر را
زدی آتش روان دشت و در را
نپرسیدی که بن لادن کجا شد؟
ندیدی از چه رو ملا عمر را؟

سودِ محسود

در آنجائی که دیدی سودِ خود را
به آنی گشته ای - محسودِ - خود را
ولی اینجا به دستِ دشمن عشق
تنیـــــدی تار تار پودِ خود را

دستِ سنگ ها

روان ملتی را خــــسته کردند
وطن را دسته دسته، دسته کردند
دهان یاره گویان باز باز است
که دستِ سنگ ها را بسته کردند

نازِ عَقدِه ها

من و افشای بوی راز از نو
چه گندی گشته بالا باز از نو
تقلب آنچنان سامان گرفته
که داده عقدِه ها را ناز از نو

مشکوک

مگر گشتی ز جایی کوک جانا
که انسان میزنی مشکوک جانا
چه پوکی ها شده جاری درین شهر
چـــــرا بر فرق دل ها پوک جانا

خُمِ نیرنگ

جمود و جهل و جور اینجا امیرند
جنایت پیشگان از یک خمیرند
شغالان غوطه ور در خُمِ نیرنگ
ولی شیران میدان سر به زیرند

تختِ جفا

ز خامی خویشتن را پخته گم کرد
اسیر زرق و برق رنگِ خُم کرد
چو لختی تکیه بر تختِ جفا داد
در شادی شهرری را پُلم کرد

عین ماش

به هر رنگ و به هر شکلی که باشند
جنایت پیشگان از یک قماشند
گاهی غلتان به این سو گه به آنسو
سخن کـوته که اینان عین ماشند